



عکس آرشیوی است

کنترل کلاس با سه «میم»

محمد رضا توحیدی

در شماره قبل انواع قدرت‌ها در کلاس درس را شرح دادیم. استفاده از قدرت‌های تنبیه، پاداش و قدرت قانونی برای برقراری ارتباط مؤثر در کلاس درس را کارآمد ندانستیم و توصیه کردیم معلم از دو قدرت تخصص و کاریزماتیک در کلاس درس استفاده کند.

در آموزش و پرورش ایران محتوا و ارزشیابی آن از اهمیت بالایی برخوردار است (قدرت تخصص)، اما برقراری ارتباط بین معلم با دانش‌آموز و تأثیری که معلم روی دانش‌آموز می‌گذارد، حتی می‌تواند روی درک محتوای درسی نیز تأثیر بگذارد. لذا در این شماره تلاش می‌کنیم نحوه افزایش قدرت کاریزماتیک معلم در کلاس درس را تشریح کنیم.

ریشه واژه کاریزما به یونان باستان برمی‌گردد. یک واژه مهم و برجسته در فرهنگ یونان باستان بوده و در معانی متفاوتی مانند زیبایی، نیکی، لطف، قدردانی و حسن نیت به کار می‌رفته است. ارسطو آن را مفهومی می‌داند که وضعیتی بالارزش دارد و به‌عنوان عمل،

شایسته قدردانی است. این واژه به معنای جذابیت نیز به کار می‌رفته است. کاریزما در گذشته بیشتر مفهومی متعلق به افراد خاص، از جمله رهبران بزرگ با توانایی‌های خاص و خارق‌العاده بود (مظفری پور، ۱۳۹۵).

اما امروزه این واژه و همین‌طور کاربرد آن جنبه‌های عمومی پیدا کرده است. در گذشته اعتقاد بر این بود که این قدرت فقط ذاتی است و امکان توسعه آن در انسان وجود ندارد، اما با توسعه مفهوم رهبری و ارتباط بیشتر با زیردستان، تعریف کاریزما نیز تغییر کرد و جنبه‌های اکتسابی و دانشی نیز به آن افزوده شدند. شاید در ساده‌ترین تعریف بتوان کاریزما را «توانایی میزان نفوذ بر دیگران» تعریف کرد.

مفهوم معلم کاریزماتیک و توسعه نفوذ معلم در کلاس درس، امروزه مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. داشتن شور و اشتیاق معلمی، فن بیان و قدرت انتقال مطلب، توانایی برقراری ارتباط

مناسب با دانش‌آموز، توانایی انتقال احساسات و عواطف، میزان دوست‌داشتن دانش‌آموزان، اعتمادبه‌نفس، استفاده مناسب از شوخی و طنز و داستان در کلاس درس، توانایی ایجاد انگیزه، ایجاد خوش‌بینی و نگرش مثبت در دانش‌آموزان، توانایی خوب شنیدن، و به‌طور کلی توانایی الگو قرار گرفتن، از اصلی‌ترین مؤلفه‌های کاریزمای معلمی است.

نقطه اشتراک این مؤلفه‌ها را می‌توان ارتباط مؤثر و قابل‌اعتماد معلم و دانش‌آموز دانست. شاید این جمله را شنیده باشید که دانش‌آموز قبل از اینکه درس معلم را بپذیرد، ابتدا باید خود معلم را بپذیرد. این جمله یعنی معلم به میزان نفوذ در دنیای مطلوب دانش‌آموز می‌تواند

انتظار داشته باشد تدریسش مؤثر باشد. در نظریه انتخاب، به رفتار مؤثر یا قابل‌اعتماد، به شکلی کاربردی پرداخته شده است: «سه میم» رفتار مؤثر معلم و دانش‌آموز را می‌سازد. با رعایت این سه میم به راحتی می‌توان ارتباطی سازنده را با

رفتار مهربانانه



رفتار منصفانه

رفتار مقتدرانه

روز اول کلاس، وقتی وارد اتاق دبیران شدم، به معلمان دیگر گفتم این دانش‌آموزان خیلی محترم هستند؛ طوری که حتی به آن‌ها گفتم «کمی هم سر و صدا کنید»، ولی آن‌ها فقط نگاهم کردند. اما چند هفته بعد، شاید در طول روز صد بار از جمله «لطفاً صحبت نکنید» استفاده کرده‌ام و احتمالاً تنها با فریاد کلاس را ساکت کرده‌ام! چند بار هم مجبور شده‌ام چند نفر را تنبیه کنم تا حساب کار دست بقیه بیاید. الآن با فرصت‌های سردرد خودم را کنترل می‌کنم و به نیمه سال نرسیده، آرزوی پایان سال تحصیلی را دارم.

این معلم کم‌تجربه نمی‌دانست که در جلسات اول، دانش‌آموزان در حال تجزیه و تحلیل رفتار معلم هستند و بر مبنای تحلیل انواع قدرت، رفتار خود را سازمان‌دهی می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند بدانند شما چقدر از قدرت قانونی، پاداش و تنبیه استفاده خواهید کرد. آن‌ها می‌خواهند بدانند شما به چه میزان شخصیت کاریزماتیک دارید تا بدانند شما بر کلاس مسلط خواهید شد یا آن‌ها بر شما و بر کلاس درس! کنترل کلاس درس موضوعی بسیار پیچیده و انتزاعی است. اما می‌توان با استفاده از اجزای یک رفتار قابل اعتماد، نفوذ خود بر کلاس درس را افزایش داد. این اجزا نیاز به توضیحات بیشتر و بیان نحوه کاربستشان در کلاس درس دارند. در قسمت بعد تلاش می‌شود درباره رفتار مقتدرانه و تفاوت آن با خشونت و استبداد معلم در کلاس درس توضیحاتی ارائه شود.

نمی‌افتد. نداشتن اقتدار، بدون شک از معلم انسانی ضعیف می‌سازد که ارزش تکیه کردن و الگوبرداری از او را از بین می‌برد. احساس بی‌عدالتی و ظالم‌بودن معلم باعث می‌شود دانش‌آموز نسبت به معلم خشم و ناراحتی عمیقی پیدا کند.

معلم به میزان نفوذ در نیای مطلوب دانش‌آموز می‌تواند انتظار تدریس مؤثر داشته باشد

چند سال قبل، معلم جوانی مشکلی را با من این‌گونه مطرح کرد. من عاشق شغل معلمی هستم. با وجود اینکه می‌توانستم مهندسی بخوانم، ترجیح دادم معلم شوم. اما اداره کلاس درس برایم غیرقابل تحمل است. در جلسات اول، دانش‌آموزانم بسیار ساکت بودند.

دانش‌آموزان طراحی کرد (بلدینگ، ۲۰۰۹). بیشتر معلمان در گذشته در کلاس درس مقتدر بودند و خود را صاحب کلاس می‌دانستند. شاید رفتار غیرمنصفانه را حق خود تلقی می‌کردند و مهربانی را مانع تسلط خود بر کلاس درس می‌دانستند. بعضی از معلمان امروزی نیز به دلیل افراط در مهربانی و نگاه مشتری‌مدارانه به دانش‌آموز، اقتدار خود را از دست داده‌اند. البته بعضی از رویکردها و توصیه‌های افراطی روان‌شناسان نیز در این باره بی‌تأثیر نبوده است. این معلمان انرژی زیادی را صرف کنترل کلاس می‌کنند و کم‌کم اعتماد دانش‌آموزان به آن‌ها از بین می‌رود.

در جدول پایین تلاش کرده‌ایم نبود هر کدام از اجزای یک رفتار و نتیجه حاصل از آن را تشریح کنیم:

رفتار معلم به صورت کلی باید از هر سه جزء تشکیل شود. نداشتن مهربانی، نفوذ بر قلب‌های دانش‌آموزان را دشوار می‌کند و بدون مهربانی، رهبری کاریزماتیک اتفاق

اثر روی دانش‌آموز	
از اینکه بین رفتار دانش‌آموز و عکس‌العمل معلم تناسب وجود ندارد یا بین دانش‌آموزان در کلاس درس تفاوت قائل است، رنجیده خواهند شد.	معلم نامنصف
نیبود رابطه مناسب عاطفی بین معلم با دانش‌آموزان، درس را برای دانش‌آموزان دشوار خواهد کرد و احتمالاً در انجام تکالیف، کیفیت مطالعه و علاقه‌مندی آن‌ها به درس تأثیر منفی خواهد گذاشت.	معلم نامهربان
دانش‌آموزان به معلمی که روی قوانین خود نمی‌ایستند، احترام نمی‌گذارند. فردی که گفتار و رفتارش منطبق نیست، از نظر دانش‌آموز قابل اعتماد نیست.	معلم نامقتدر